

A Study of Social and Cultural Factors Affecting Honor Killings

Mohammed Javanmard*: Ph.D. student, faculty member of Amin Police Academy, Tehran, Iran. yang.man80@gmail.com

Taha Ashayeri: Ph.D. of study of social problems of Iran, The Young Researchers and Elite Club, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. t.ashayeri@gmail.com

Elham Abbasi: Faculty of social sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. e_abbasi55@yahoo.com,

Abstract

Introduction: Honor or shame killings refer to the murdering of a family member by other relatives or community members due to her/his actions and behaviors that are considered immoral and a threat to the dignity and honor of the society. The main objective of this study was to examine the social and cultural factors affecting honor killings among rural families.

Methods: This survey was applied research in terms of its purpose and nature. It also followed quantitative, descriptive, and analytical methods which used a close-ended and Likert-based scale questionnaire to gather data. The reliability of the questionnaire was approved by Cronbach's alpha test. From one thousand, two hundred fifty rural households as the population of the study, two hundred and ninety-three households were selected as the sample through Cochran formula and stratified sampling methods.

Results: The findings demonstrated that there was a significant relationship between social prejudices 0.610, collectivism 0.348, sensitivity to honor 0.401, masculine attitude 0.519, social isolation 0.678, social poverty 0.489, cultural poverty 0.710 and economical poverty 0.363 with honor killings. However, there was no significant relationship between social exclusion with the occurrence of honor killings. Regression results also revealed that honor killings ($\beta = 0.324$) are mainly affected by social poverty.

Conclusions: The results showed that factors affecting honor killings in rural areas were appropriately justified as variables of this study. Furthermore, this result confirms previous research results including Sev'er 2014, Zaumot 2014, Singhal 2014, Marcus and Jacques 2014. In general, according to the findings of the current study as well as findings from the literature, honor killings are often considered as a social-cultural phenomenon.

Keywords

Honor Killings or
Shame Killing

Social Structure

Cultural Poverty

Prejudice

Women

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 24 Jan 2016
Accepted: 13 Nov 2020

Please cite this
article as follows:

Javanmard M, Ashayeri T, and Abbasi E. A study of social and cultural factors affecting honor killings. Quarterly journal of social work. 2019; 9 (3); 48-56

بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی

محمد جوانمرد*: دانشجوی دکتری، عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. yang.man80@gmail.com

طاها عشایری: دانشجوی دکتری بررسی مساله‌های اجتماعی ایران، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. t.ashayeri@gmail.com

الهام عباسی: عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. e_abbasi55@yahoo.com

واژگان کلیدی

قتل ناموسی

ساختار اجتماعی

فقر فرهنگی

تعصب

زنان

چکیده

مقدمه: قتل‌های ناموسی به قتل دختر و پسر توسط اعضای خانواده، فامیل یا جامعه اطلاق می‌شود که اعمال و رفتارهای آن‌ها برحسب عرف و هنجار جامعه غیراخلاقی تلقی شده و تهدیدی بر آبرو و شرف تلقی می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نگرش روستائیان نسبت عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی بود.

روش: این پژوهش توصیفی و از نظر هدف کاربردی، به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته به روش لیکرت اجرا شده است. سطح پایایی ابزار تحقیق با آزمون آلفای کرونباخ تایید شد. همچنین با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری طبقه‌ای احتمالی از جامعه آماری هزار و دویست و پنجاه خانوار روستایی، دویست و نود و سه خانوار انتخاب شدند.

نتایج: یافته‌ها نشان داد، بین تعصب اجتماعی ششصد و ده هزارم، جمعگرایی سیصد و چهل و هشت هزارم، حساسیت به ناموس چهارصد و یک هزارم، نگرش مردسالارانه پانصد و نوزده، انزوای اجتماعی ششصد و هفتاد و هشت هزارم، فقر اجتماعی چهارصد و هشتاد و نه هزارم، فقر فرهنگی هفتصد و ده هزارم و فقر اقتصادی سیصد و شصت و سه هزارم با قتل‌های ناموسی رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین طرد اجتماعی با وقوع قتل‌های ناموسی رابطه معناداری وجود نداشت. یافته‌های رگرسیون همزمان نیز نشان داد که قتل‌های ناموسی بیشتر متأثر از فقر اجتماعی با بنای سیصد و بیست و چهار هزارم است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای تعیین شده به‌عنوان عوامل موثر بر قتل‌های ناموسی مورد تایید بوده و نتیجه آن با نتایج تحقیقات قبلی از جمله سور ۲۰۱۴، زاموت ۲۰۱۴، سینگال ۲۰۱۴ و مارکوس و زاگوس ۲۰۱۴ همخوانی داشته است. به‌طورکلی، تحقیقات انجام شده قبلی و تحقیق حاضر، قتل‌های ناموسی را اغلب پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی می‌دانند.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۳

محمد جوانمرد، طاها عشایری و الهام عباسی. بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی.

فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۹؛ ۹ (۳): ۵۶-۴۸

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

آن طور که در فرهنگ‌های فارسی عمید و معین گفته شده، ناموس مترادف است با شرف، عفت، عصمت، آبرو، غیرت، قانون و شریعت الهی که جمع آن نوامیس است. زمانی که یکی از افراد خانواده با زیر پا گذاشتن ارزش‌های دینی، اجتماعی و عرفی که برای آن خانواده شرم، سرافکندگی و بدنامی به بار می‌آورد، قتل ناموسی رخ می‌دهد. قتل‌های ناموسی به لحاظ تاریخی به زمان امپراتوری روم بر می‌گردد، آن‌ها در عصر جاهلیت دختران مجرد و ازدواج نکرده را به قتل می‌رساندند. [۱] این پدیده که در کشورهای آسیایی نیز رایج است، [۲] حاصل محیط اجتماعی-فرهنگی و عملی است که به‌خاطر سرپیچی از دستورات پدر یا برادر رخ می‌دهد، [۳] رفتاری غیراخلاقی توسط زنان که برای اعضای خانواده ننگ‌آور و مایه شرمساری اوست. [۷] برخی معتقدند علت این عمل ناشی از شرمساری اعضای خانواده است. [۴] اگر زنان بخواهند به ازدواجی اقدام کنند که در آن خواست خانواده به ویژه پدرمورد توجه قرار نگرفته باشد خشونت رخ می‌دهد [۵] نتایج پژوهش سور ۲۰۱۴ با عنوان تغییرات فرهنگی و تحلیلی فمینیستی از قتل ناموسی نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی، سنت پرستی، خانواده گرایی و اقتدارگرایی از عوامل دخیل در مساله قتل ناموسی است. [۸] پژوهش زاموت ۲۰۱۴ با عنوان جرم‌های ناموسی در خاورمیانه نشان می‌دهد، مردان کشتن زنان به‌ویژه خواهر، دختر و زن خود را برای زدودن داغ ننگ امری ضروری دانسته و آن را جرمی سنگین در آیین خود تلقی می‌کنند. در عراق، اردن و پاکستان جرم تلقی نشدن قتل ناموسی در اقدام به آن تاثیر گذاشته است. [۹]

پژوهشی با عنوان خطر قتل‌های ناموسی در هند توسط مروگانتزان ۲۰۱۴ انجام گرفته که یافته‌های آن نشان می‌دهد، درون گروهی بودن ازدواج، ممنوع بودن ازدواج با برون گروه، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، فقدان تحرک اجتماعی، محصور بودن در عقاید سنتی علل قتل‌های ناموسی در نظام کاستی هند است. [۱۰] پژوهش دیگری توسط سینگال ۲۰۱۴ با عنوان قتل ناموسی در هند صورت گرفته که نشان می‌دهد قتل ناموسی مساله فرهنگی و اجتماعی بوده و عواملی نظیر جنسیت، فقدان آگاهی اجتماعی، سنت گرایی، استفاده نکردن از رسانه و عصبیت در وقوع آن دخیل بوده است. [۱۱] مارکوس و زاکوس ۲۰۱۴ نیز در مطالعه خود با عنوان قتل ناموسی در فلسطین نشان دادند که مساله‌های طایفه‌ای، فقدان حقوق لازم برای زنان، باورهای فرهنگی و اجتماعی، انزوای محلی و هنجارهای جامعه در این مساله دخیل هستند. [۱۲]

ابولگود ۲۰۱۱ در تحقیقی با عنوان کاهش جرم‌های ناموسی نشان داد، جرم‌های ناموسی بیشتر در مورد زنان اجرا می‌شود و این نوعی نابرابری در فضای اجتماعی است. [۱۳] در جوامع در حال توسعه، زن کشی یکی از راه‌های پاسخ به عصبیت اجتماعی است. این عمل نشانگر ساختار اجتماعی و مساله فرهنگ و هنجار در جهت‌دهی کنش‌هاست. معمولاً هنجارها، زنان و جنس مونث را قربانی اهداف خود می‌کند. [۱۴] قتل رساندن دیگری برای پاسخ به عکس العمل اجتماع، نوعی راهکار برای مقابله با جرم‌ها است؛ این مساله در جامعه سنتی بیشتر نمود دارد. [۱۵] گذر جوامع از سنتی به مدرن، و میزان جرم تلقی شدن آن، مساله‌های ناموسی را کاهش داده و تا حدی هنجارهای اجتماعی را در مواجهه با مساله‌های اخلاقی و ناموسی منعطف ساخته است. [۱۶] وجود سرمایه درون گروهی، گاهی آثار منفی دارد که از نوع سرمایه اجتماعی منفی محسوب می‌شود؛ مانند نظام هنجاری طایفه‌ای، خویشاوندی و جمع‌گرایانه که فردیت را از بین می‌برند و رفتارهای فردجویانه را منع می‌کند و نمونه آن، رفتارهای اخلاقی فردی است که از سوی زنان در اجتماع ناپسند شمرده می‌شود. [۱۷]

آشیز ۲۰۱۱ نیز معتقد است که قتل ناموسی مساله فرهنگی و اجتماعی است و بیشتر از فرهنگ، از عرف و قواعد نهادینه شده در جامعه اثر می‌پذیرد. [۱۸] پژوهشی با عنوان شیوع رسم قتل‌های ناموسی در پاکستان توسط موزام ۲۰۰۹ انجام شده که نشان می‌دهد که از زمان‌های بسیار قدیم در پاکستان، قتل زنان از قبیل سوزاندن، خفه کردن، سنگسار کردن در دید عموم، آزار و اذیت منجر به قتل در بین مردم شایع بوده است. همچنین، مساله‌های اجتماعی-فرهنگی از جمله هنجار جامعه، آبروی اجتماعی، داغ ننگ، ازدواج به انتخاب خود دختر، فرار از منزل، نقص قوانین جامعه و ایل و سرپیچی از دستورات اعضای خانواده از عوامل عمده قتل‌های ناموسی مطرح شده است. [۱۹]

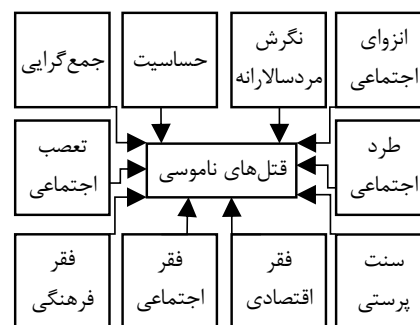
قتل‌های ناموسی، پدیده‌ای جهانی است [۲۰] و در بسیاری از کشورها از جمله ترکیه، افغانستان، عراق، عربستان سعودی،

از دست دادن منزلت اجتماعی:
طرد شدگی اعضای خانواده، موجب احساس شرم و مانع تعامل اجتماعی آنان با همسایه‌ها و دوستان می‌شود. به پایگاه اجتماعی خانواده آسیب جدی وارد می‌شود و باعث افسردگی و تمایل اعضا خانواده به خودکشی می‌گردد. [۲۳]

قتل ناموسی زن توسط خویشاوند مرد نه تنها یک عمل فردی خشونت نیست، بلکه عملی جمعی، برنامه‌ریزی شده از قبل و پذیرفته شده از دید اجتماع، مردان، زنان، جامعه و اعضای خانواده است. [۲۴]

ارزش‌های فرهنگی و سنتی به عنوان سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. همه رفتارها و اعتقادات انسان‌ها توسط قانون

نمودار (۱) مدل مفهومی تحقیق نگارندگان



هدایت می‌شوند. این قوانین در جامعه ریشه دوانده است. جامعه‌شناسان از تغییرات فرهنگی حمایت می‌کنند و معتقدند که تغییرات در دنیا به‌خاطر پیشرفت اقتصادی و نوسازی اتفاق می‌افتد، به هر حال فرهنگ تأثیر مستقلى بر انسان می‌گذارد. [۲۵] احترام و قداست به نهاد خانواده و طایفه و قوم، اعتقادات مذهبی، نظارت اجتماعی شدید جامعه، طرد افراد خاطی از جامعه، وجود انگ‌های اجتماعی شدید برای افراد خاطی و اعمال شدیدترین مجازات اجتماعی برای افراد خاطی از جمله این موارد هستند. [۲۹] خشونت علیه زنان، به‌طور نمادین توسط مردان رخ داده است که در آن زنان به رفتار غیراخلاقی متهم هستند. [۲۶] این عمل غیرقانونی [۲۷] در مقایسه با مردان، عملی علیه زنان است. جایی که اعضای خانواده به‌خاطر اتهامات غیراخلاقی، قربانی را از بین می‌برند. [۲۸] درباره نحوه اختلاف میان زن و مرد از حیث جنس و جنسیت فمینیست‌ها اشتراک نظر ندارند. بعضی از آن‌ها معتقدند که میان زن و مرد از حیث زیستی و بیولوژیکی، اختلاف نظر است، اما برخی دیگر حتی این قدر از تفاوت را قبول ندارند و معتقد هستند که نظریه‌های زیست‌شناختی، برای توجیه تفاوت میان زن و مرد به وجود آمده‌اند (۳۰). به عنوان نمونه، اوکلی معتقد است؛ تلاش‌های صورت گرفته برای سنجش تفاوت‌های جنسی بیولوژیک، همواره بر تفاوت‌ها و نه شباهت‌های میان زن و مرد تأکید کرده‌اند (۳۱) و نظریه‌های زیست‌شناختی در مورد تفاوت‌های جنسی، مفاهیم اجتماعی هستند که در خدمت منابع گروهی هستند که از لحاظ اجتماعی مسلط می‌باشند (۳۲). در مقابل این نظریه، بعضی از فمینیست‌ها معتقدند که تفاوت جنسی نباید موجب تفاوت در جنسیت شود. بر طبق این رویکرد، «زنانگی» و «مردانگی» نه ویژگی ذاتی، مطلق و فراسوی زمان و مکان، بلکه مقولاتی اجتماعی و فرهنگی و ساخته و پرداخته شرایط تاریخی معین و گاه سیاسی و اقتصادی به شمار می‌آید (۳۱). به عنوان نمونه، فمینیسم لیبرال، تمامی انسان‌ها را عواملی اساساً عقلانی در نظر می‌گیرد و تأثیر جسم در نیروی تعقل انسان را اگر هم بپذیرد، بخشی از جوهره انسانی نمی‌شناسد. به همین سبب، جنسیت فرد را تعیین‌کننده حقوق او نمی‌داند. بدین ترتیب، فمینیست‌های لیبرال معتقدند که سرشت زنانه و مردانه کاملاً یکسان است و تنها انسان وجود دارد، بدون جنسیت (۱۲). جوامع سنتی تابع هنجارهای اجتماعی می‌باشند که برحسب عرف، فرهنگ محلی و ساختار اجتماعی تکوین یافته است. رفتارهای افراد به‌شدت توسط این ساختار و نظارت اجتماعی، تحت کنترل می‌باشد. منحرفان از این قواعد را با مجازات اجتماعی مواجه می‌سازند. در چنین ساختار اجتماعی، تسلط مردان بر زنان به‌خاطر مساله‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است.

در جوامع در حال توسعه به‌ویژه جوامع سنتی، چنین استنباط می‌شود که این فقط زنان هستند که مساله‌های اخلاق را باید بیشتر رعایت کنند

اجتماعی و فرهنگی موثر بر قتل‌های ناموسی است و به دنبال پاسخ به این سوال است؟ از دید روستائیان چه عوامل اجتماعی-فرهنگی بر بروز قتل‌های ناموسی موثر است؟

و مقید به رعایت هنجارها و عرف اجتماعی باشند که سرپیچی از آن‌ها می‌تواند منجر به وقوع حوادث ناگواری از جمله قتل آنان شود. این ویژگی در جوامع سنتی و بسته به مراتب بیشتر از سایر جوامع از جمله جوامع شهری است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش، بررسی عوامل

روش

این پژوهش توصیفی و از نظر هدف کاربردی، به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل هزارو دویست و پنجاه خانوار روستایی اردبیل است که دویست و نود و سه خانوار با استفاده از فرمول محاسبه حجم نمونه کوکران برای مشارکت در پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای احتمالی انتخاب شدند.

ملاک‌های ورود و خروج

ملاک ورود: زنان و مردان بین بیست الی شصت و پنج سال، شاغل به کشاورزی، دامداری، خانه‌داری، رانندگی و شغل آزاد. تمایل به مشارکت در پژوهش.

ملاک خروج: تمایل نداشتن به مشارکت. پاسخ ناقص به پرسشنامه.

به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، اعتماد پاسخگویان در خصوص محرمانه ماندن هویت و اطلاعات شخصی، جلب گردید. از اشخاص آشنا به محیط و تعامل صمیمی جهت کسب اطلاعات نیز استفاده شد. پرسش‌ها به نحوی تکمیل گردید که برای پاسخگویان، تبعات روحی و روانی، خانوادگی و اجتماعی ایجاد نکند. اطلاعات مربوط به حجم نمونه و جامعه آماری هر یک از طبقات را جدول شماره یک نشان می‌دهد.

ابزار پژوهش

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش		
متغیرها	تعداد	ضریب
گوپه	آلفا	ضریب
تعصب اجتماعی	۳	۸۱٪
جمع‌گرایی	۳	۸۴٪
حساسیت به ناموس	۴	۷۸٪
نگرش مردسالارانه	۴	۷۴٪
انزوای اجتماعی	۳	۷۱٪
طرد اجتماعی	۵	۷۲٪
فقر اجتماعی	۳	۸۰٪
فقر فرهنگی	۳	۷۶٪
فقر اقتصادی	۳	۷۴٪
قتل‌های ناموسی	۵	۸۳٪

پرسشنامه محقق ساخته است شامل نه سوال درباره اطلاعات جمعیت شناختی و توصیفی و سی گویه که به کمک آن‌ها اطلاعات مورد نیاز درباره عوامل روانی-اجتماعی جمع‌آوری گردید. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طبقه‌بندی شد. برای منبع تجربی شاخص‌ها، از تعصب اجتماعی سور ۲۰۱۴، جمع‌گرایی زاموت ۲۰۱۴، حساسیت به ناموس سینگال ۲۰۱۴، نگرش مردسالارانه مارکوس و زاگوس ۲۰۱۴، انزوای اجتماعی ابولگود ۲۰۱۱، طرد اجتماعی، فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی آشیز ۲۰۱۱ و قتل‌های ناموسی موزام ۲۰۰۹ استفاده شده است. لازم به ذکر است که نگارندگان نسبت به مکان مورد پژوهش، شناخت فرهنگی-اجتماعی کافی داشته و اعتماد قابل توجهی بین پاسخگویان و نگارندگان به لحاظ فرهنگی وجود داشت. این آشنایی و شناخت و اهمیت موضوع مورد مطالعه که یکی از دلائل انتخاب جامعه مورد بررسی بود، فرآیند مربوط به پژوهش را آسانتر کرده بود. سنجش اعتبار گویه‌ها، با استفاده از روش اعتبار صوری انجام شده و این اعتبار، بر پایه قضاوت داوران به وسیله چند تن از اساتید و کارشناسان متخصص، اهل فن و صاحب نظر در این زمینه مورد تایید قرار گرفته است. پایایی آن نیز با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و انجام آزمون اولیه تایید شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق نشان داد پنجاه و پنج درصد از پاسخگویان مرد، سی درصد سنین بین بیست تا سی، سی و نه درصد سنین بین سی و یک تا چهل و یک و سی و یک درصد سنین چهل و یک سال به بالا بودند. سی و هشت درصد مجرد و شصت و دو درصد متأهل بودند. بیست و پنج درصد بی‌سواد، سی و یک درصد دارای تحصیلات ابتدایی، شانزده درصد راهنمایی، یازده درصد دبیرستان و هفده درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند. شغل چهل و شش درصد کشاورزی، سی و پنج درصد دامداری و نوزده درصد آزاد نظیر بنایی، سلمانی، مسافركشی و غیره بود. هشتاد و شش درصد از افراد معتقد بودند که رفتار جوانمردهای غیراخلاقی نظیر روابط نامشروع، گفتگوی کلامی و مواردی از این قبیل وجهه خانواده، ایل و روستا

را خدشه دار می‌کند و به عنوان عملی شرم‌آور تلقی می‌شود. پنجاه و نه درصد افراد سازوکار زدودن داغ ننگ در صورت وقوع مساله ناموسی، مهاجرت از منطقه به مناطقی ناشناخته و سی و هفت درصد نیز راندن و طرد کردن از خانواده و روستا و چهار درصد قتل و اعدام آن را بهترین سازوکار ممکن می‌دانند. چهل و سه درصد افراد برای تادیب زنان و جلوگیری از رفتارهای غیراخلاقی آن‌ها، تنبیه و ضرب و شتم را ضروری می‌دانستند. سی و شش درصد نصیحت بزرگان طایفه را مناسب

جدول (۲) جدول توصیفی (درصد فراوانی) متغیرها

متغیر	کاملاً موافقم	موافقم	بی نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم
قتل‌های ناموسی	۳۴٪	۱۸٪	۱۰٪	۲۴٪	۱۴٪
تعصب اجتماعی	۲۲٪	۱۹٪	۲۱٪	۳۳٪	۵٪
جمع‌گرایی	۳۶٪	۱۱٪	۹٪	۲۸٪	۱۶٪
حساسیت به ناموس	۱۴٪	۵۱٪	۱۴٪	۸٪	۱۳٪
نگرش مردسالارانه	۲۳٪	۳۰٪	۱۵٪	۱۱٪	۲۱٪
انزوای اجتماعی	۱۹٪	۲۶٪	۲۲٪	۷٪	۲۶٪
طرد اجتماعی	۳۳٪	۱۷٪	۱۱٪	۲۱٪	۱۸٪
فقر اجتماعی	۲۵٪	۱۳٪	۲۴٪	۳۳٪	۵٪
فقر فرهنگی	۳۶٪	۲۲٪	۱۹٪	۱۲٪	۱۱٪
فقر اقتصادی	۱۸٪	۳۸٪	۵٪	۲۰٪	۱۹٪

جدول (۳) بررسی همبستگی متغیرهای مستقل پژوهش و قتل‌های ناموسی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری دوطرفه	نتیجه
تعصب اجتماعی	۰/۶۱۰	۰/۰۴۰	قبول
جمع‌گرایی	۰/۳۴۸	۰/۰۰۱	قبول
حساسیت به ناموس	۰/۴۰۱	۰/۰۰۱	قبول
نگرش مردسالارانه	۰/۵۱۹	۰/۰۰۱	قبول
انزوای اجتماعی	۰/۶۷۸	۰/۰۰۱	قبول
طرد اجتماعی	۰/۴۰۳	۰/۲۳۵	رد
فقر اجتماعی	۰/۴۸۹	۰/۰۰۱	قبول
فقر فرهنگی	۰/۷۱۰	۰/۰۰۱	قبول
فقر اقتصادی	۰/۳۶۳	۰/۰۰۱	قبول

و بیست و یک درصد طلاق را راه چاره چنین مساله‌هایی می‌دانستند. - نتایج آزمون پیرسون نشان داد که بین تعصب اجتماعی و قتل‌های ناموسی با ضریب همبستگی ششصد و ده هزارم و سطح معناداری چهل هزارم، رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

- یافته‌های حاصل از آزمون پیرسون نشان داد که بین جمع‌گرایی و قتل‌های ناموسی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معناداری یک هزارم برابر با سیصد و چهل و هشت هزارم است.

- نتایج آزمون پیرسون که در سطح فاصله‌ای سنجیده شده، نشان می‌دهد که بین حساسیت به ناموس و قتل ناموسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معناداری یک هزارم برابر با چهاصد و یک هزارم است.

- یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه دو متغیر نگرش مردسالارانه در جامعه و قتل‌های ناموسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری یک هزارم برابر با پانصد و نوزده هزارم است.

- یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر انزوای اجتماعی و قتل‌های ناموسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معناداری یک هزارم برابر با ششصد و هفتاد و هشت هزارم است.

- نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین طرد اجتماعی و قتل ناموسی با توجه سطح معناداری بیشتر از پنج صدم برابر دویست و سی و پنج هزارم رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

- یافته‌های آزمون پیرسون که در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، حاکی از این است که بین متغیر فقر اجتماعی و قتل ناموسی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح

جدول (۴) آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره عوامل قتل‌های ناموسی

متغیر	بتا	T	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه
تعصب اجتماعی	۰/۱۸۹	۴/۰۴۲	۰/۰۰۱	۰/۴۷۶
جمع‌گرایی	۰/۱۸۱	۲/۴۰۳	۰/۰۰۱	۰/۲۸۱
حساسیت به ناموس	۰/۲۹۷	۳/۰۲۱	۰/۰۰۱	۰/۳۰۱
نگرش مردسالارانه	۱/۰۹	۱/۵۳۲	۰/۰۱۱	۱/۸۲۲
انزوای اجتماعی	۰/۲۹۲	۶/۹۴	۰/۰۰۱	۳۶/۵۲
طرد اجتماعی	۰/۱۱۲	۲/۴۳۵۰	۰/۰۰۳	
فقر اجتماعی	۰/۳۲۴	۵/۶۷۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
فقر فرهنگی	۰/۲۱۴	۶/۸۹۴	۰/۰۰۱	
فقر اقتصادی	۰/۲۲۱	۴/۳۸۱	۰/۰۰۱	

معنی داری یک هزارم برابر با چهارصد و هشتاد و نه هزارم است - یافته‌های آزمون پیرسون حاکی از این است که بین فقر فرهنگی و قتل ناموسی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی داری یک هزارم برابر با هفتصد و ده هزارم است. - یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین فقر اقتصادی و قتل ناموسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی داری یک هزارم برابر با سی و شش صدم است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون همزمان، جدول شماره ۲ نشان داد متغیر وابسته قتل ناموسی بیشتر متأثر از متغیر فقر اجتماعی با بتای سیصد و بیست و چهار هزارم است. به عبارتی، در قتل‌های ناموسی متغیر مذکور بالاترین تاثیر و متغیر نگرش مردسالارانه کمترین تاثیر را داشته است. با رجوع به جدول تحلیل رگرسیون چندمتغیره می‌توان دریافت که تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، معنی دار بوده است و ضریب تبیین تصحیح شده حکایت از آن دارد که سیصد و یک هزارم درصد تغییرات متغیر وابسته قتل‌های ناموسی به وسیله متغیرهای مستقل تعصب اجتماعی، جمعگرایی، حساسیت به ناموس، نگرش مردسالارانه، انزوای اجتماعی، طرد اجتماعی، فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی

تبیین شده است. آزمون دوربین واتسون نیز فرض مستقل بودن خطاها یا باقی مانده‌ها را آزمون می‌کند. دامنه این کمیت بین صفر و چهار است و معمولاً محدوده بین یک و نیم الی دو و نیم، مورد قبول و نشان دهنده مستقل بودن باقی مانده‌ها از یکدیگر می‌باشد. در این آزمون مقدار دوربین واتسون یک ممیز هشتصد و بیست و دو هزارم به دست آمده است که نشان می‌دهد، باقی مانده‌ها از یکدیگر مستقل هستند. همچنین، مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده خطی و معنادار می‌باشد، زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی داری اثر متغیرهای مستقل بر قتل‌های ناموسی برابر با سی و شش ممیز پنجاه و دو صدم با سطح معنی داری صفر است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بروز قتل‌های ناموسی انجام شد. نتایج نشان داد، هر چه تعصب اجتماعی و جمعگرایی افراد بیشتر باشد، میزان گرایش آن‌ها به قتل‌های ناموسی نیز بیشتر می‌شود. نتایج اغلب تحقیقات قبلی از جمله تحقیق سور ۲۰۱۴، زاموت ۲۰۱۴، سینگال ۲۰۱۴ و مارکوس و زاکوس ۲۰۱۴ که پدیده قتل‌های ناموسی را ناشی از باورهای اشتباه اجتماعی از جمله تعصب اجتماعی بیان کرده‌اند همسو می‌باشد. [۸، ۹ و ۱۱] نتایج تحقیق حاضر، حساسیت به ناموس را از عوامل پدیده قتل ناموسی بیان کرده است که با نتایج تحقیقاتی همچون خانواده‌گرایی سور ۲۰۱۴، آبروی اجتماعی موزام ۲۰۰۹ و غیرت مردانگی زاموت ۲۰۱۴، همخوانی دارد و ناموس‌پرستی را به نوعی از عوامل قتل‌های ناموسی عنوان کرده‌اند. [۸، ۹ و ۱۹] یافته‌های تحقیق، نگرش مردسالارانه را از عوامل دیگر قتل‌های ناموسی بیان کرده است که با نتایج تحقیقاتی چون نگرش مردسالاری سور، فقدان حقوق لازم برای زنان مارکوس و زاکوس و ساختار مردسالارانه ابولگود ۲۰۱۱ همسو است. [۸ و ۱۳] براساس نتایج تحقیق، انزوای اجتماعی از دیگر عوامل قتل‌های ناموسی است. تحقیقات مروگاننزان ۲۰۱۴ فقدان تحرک اجتماعی و مارکوس و زاکوس انزوای محلی نیز با این نتیجه همخوانی دارند. [۱۰] هرچند روبرت ۲۰۱۰ طردشدگی را یکی از پیامدهای اصلی قتل‌های ناموسی بیان کرده و جوزف و نگمابادی ۲۰۰۳ طرد افراد خاطی از جامعه را یکی از عوامل این پدیده بیان کرده است، اما تحقیق حاضر آن را به عنوان یکی از عوامل قتل ناموسی مورد تایید قرار نداده است. هرچند که نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد طرد اجتماعی یکی از متغیرهای تبیین کننده قتل ناموسی است. [۲۳] فقر اجتماعی و فرهنگی از دیگر عوامل این پدیده است که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات انجام شده قبلی از جمله زاموت پایین بودن سطح فرهنگ و تحصیلات، مروگاننزان فقر فرهنگی، فقدان تحرک اجتماعی؛ سینگال فقدان آگاهی اجتماعی همخوانی دارد. [۹ و ۱۰] نتایج این پژوهش نشان داد، فقر اقتصادی یکی از عوامل قتل ناموسی در جامعه مورد مطالعه است که این یافته با نتایج برخی از تحقیقات قبلی از جمله ابولگود ۲۰۱۱ و مروگاننزان ۲۰۱۴ همخوانی دارد. [۱۰ و ۱۳] قتل ناموسی، متغیری چندوجهیست که با ابعادی مختلف در ارتباط است. در جوامع سنتی احتمال وقوع آن بیشتر

مکانی افراد نمونه از یکدیگر بود. همچنین ترجیح به انجام پژوهش به صورت کیفی بود که با وجود وضعیت خاص جامعه و نمونه آماری، امکانپذیر نشد.

پیشنهادهای: براساس یافته‌های تحقیق، در راستای کاهش پدیده قتل‌های ناموسی و پیشگیری از پیامدهای احتمالی آن، پیشنهاد می‌شود: تقویت زیربنای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد فرصت‌های آموزشی، شغلی و زمینه‌های درآمد و مبارزه جدی علیه فقر، بی‌سوادی، خرافات و تعصبات بیجا در جوامع سنتی به‌ویژه در جوامع سنتی. استفاده از وسایل ارتباط جمعی از جمله رسانه ملی در جهت آموزش خانواده‌ها و آگاه‌سازی فرهنگی و اجتماعی آن‌ها با استفاده از مشاوران، جامعه‌شناسان و روانشناسان متخصص. تعریف و اعمال قوانین و مقررات مناسب و نظارت قضایی در راستای پیشگیری و مقابله با تصمیمات و اقدامات ناشی از تعصبات بی‌جا، ساختار نامناسب اجتماعی و باورهای فرهنگی و سنتی غلط در مناطق روستایی در مساله‌های زن‌اشویی و ناموسی. ایجاد نهادهای متناسب با خانواده جهت اتخاذ تدابیر مشخص باهدف حمایت و اعاده حیثیت و جبران خسارت متضررین تجاوزهای جنسی. جلوگیری از ازدواج‌های اجباری، مصلحتی و قبل از وقت و رعایت شرط رضایت در ازدواج و انتخاب آزادانه همسر برای دختران با تعریف ارزش‌ها و هنجارهای منطقی و مطابق با اصول اسلامی با تعامل بین نهادهای حوزوی، فرهنگی، آموزشی و آگاه‌سازی خانواده‌های ایرانی به‌ویژه روستایی و عشایری بر ارزش‌ها و هنجارهای جدید تعریف شده. تقویت فعالیت جامعه مدنی و رسانه‌ها در جهت ارتقای سطح آگاهی مردم در مورد حقوق زنان و مبارزه منظم علیه هرگونه خشونت علیه زنان در سطح خانواده و اجتماع.

است و علل آن حساسیت به ناموس، تسلط هنجارهای مردانه، عصبیت سنتی ایلی، داغ ننگ اجتماعی، ناآگاهی به حقوق اجتماعی زنان، غیرقابل بخشش و اصلاحی دانستن رفتاری غیراخلاقی آن‌ها و مواردی این چنین می‌باشد. به‌طورکلی، تحقیقات انجام شده، قتل‌های ناموسی را پدیده و مساله‌ای اجتماعی و فرهنگی و عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر آن را مورد تاکید قرار داده‌اند

محدودیت‌ها: جامعه مورد مطالعه این پژوهش خانوارهای روستایی و عشایری می‌باشند که نماینده کل جامعه ایرانی نیستند بنابراین نتایج تحقیق ممکن است قابل تعمیم به کل جامعه نباشد. همکاری نکردن وعدم تمایل برخی از افراد به تکمیل پرسشنامه با توجه به موضوع مورد بحث، به دلایل فرهنگی و حفظ حرمت شخصی و خانوادگی و جلب اعتماد پاسخگویان، از دیگر مشکلات و محدودیت‌های خاص این تحقیق بود. همچنین همه نتایج این مطالعه بر اساس پاسخ افراد است؛ بنابراین مشکلات ناشی از این نوع مطالعات را نیز در بر دارد. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش راحت نبودن دسترسی به افراد مورد پرسش و فاصله

منابع

References:

1. Gah S. Women living under Muslim laws, Karo-Kari, TorTora, Siyakhari, Kala Kali: There is no honour in killing. National seminar report, Lahore, 2001.
2. Haybhay S, Patwe D, Jawale P. Honor killing: Killing the honour of humanity? SASCV Proceedings, 2013.
3. UNIFEM. Fact and figures on harmful traditional practices. UNIFEM Publication, Geneva; 2007.
4. Haile J. Honour killings, its causes and consequences: Suggested strategies for the European parliament. European Parliament Publication; 2007.
5. Kumar A. Public policy imperatives for curbing honour killings in India. Journal of Politics & Governance. 2012;1(1):33-7.
6. Bernard S. Combating honour crimes in Europe. SURGIR Foundation Publication. 2013;9.
7. Kurkiala M. Interpreting honour killings: The story of Fadime Sahindal (1975-2002) in the Swedish press. Anthropology Today. 2003;19(1):6-7.
8. Sev'er A, Yurdakul G. Culture of honor, culture of change: A feminist analysis of honor killings in rural Turkey. Violence Against Women. 2001;7(9):964-98.
9. Zaumot J. Honour crimes in middle east. Capstone Project 2014.
10. Murugananathan S. Honour killing' the menace - A case study in Tamil Nadu. International Journal of Management Research and Social Science (IJMRSS). 2014;1(1).
11. Singhal V. Honour killing in India: An assessment. Indian Council for Social Science Research (IC-

- SSR). 2014.
12. Bostan H. Sex Inequality and Oppression. Seminary and University Research Institute. Vol 1. 2003.
13. Abu-Lughod L. Seductions of the "honor crime". *Differences: A Journal of Feminist Cultural Studies*. 2011;22(1):17-63.
14. Dhiman S, Tania S. No 'honour' in killing: A socio-legal analysis. *International Journal of Recent Scientific Research* 2017;8(7).
15. Hosseini SB, Basavaraju C. Study on honor killing as a crime in India-cause and solutions. 2016.
16. Flatley J. Crime in England and Wales: Year ending June 2017. Crime against household and adult, also including data on crime experienced by children, and crime against businesses and society. 2017.
17. Singh S. Honour killings in India: Need for a composite and strict legal framework. *International Journal of Interdisciplinary and Multidisciplinary Studies (IJIMS)*. 2017;4(3).
18. Ray A. Honor killing cases among south Asians in the UK rising. *The Indian Times* Retrieved. 2011;8.
19. Nasrullah M, Haqqi S, Cummings KJ. The epidemiological patterns of honour killing of women in Pakistan. *European Journal of Public Health*. 2009;19(2):193-7.
20. Warraich S.A, 'Honour killings' and the law in Pakistan, in L. Welchman, S. Hossain, Honour: crimes, paradigms and violence against women, London, 2005, 78-110.
21. Ali Y. (Dissertation) Honor, the state, and its implications: An examination of honor killing in Jordan and the efforts of local activists Auburn, Alabama. Auburn University, 2008.
22. Brandon J, Hafez S. Crimes of the community: Honour-based violence in the UK. Centre for Social Cohesion; 2008.
23. Fisk R. The crimewave that shames the world. *The Independent*. 2010;7.
24. Broken bodies, shattered minds, torture and ill treatment of women. Amnesty International Publications, London: 2011.
25. Inglehart R, Baker WE. Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*. 2000;19-51.
26. Roberts KA, Campbell G, Lloyd G. Honor-based violence: Policing and prevention. CRC Press; 2013.
27. Habib H, Asad U, Muhammad I. Honor killing: Its causes and socio-legal controlling mechanisms. Lambert Academic Publishing; 2013.
28. Haviland WA, Prins HE, McBride B, Walrath D. Cultural anthropology: The human challenge. Cengage Learning; 2013.
29. Suad J, Afsaneh N. Encyclopedia of women & Islamic cultures: Family, body, sexuality and health. Netherlands. 2005;3:174.
30. Hassani SM, Gender differences from the perspective of Islam and feminism. *Women's strategic studies*. 2004; (23):189-219.
31. Garrett S. Gender (Society Now). London, New York: Routledge, 1992. [Persian].
32. Ann O. Woman's work: The housewife. Past and Present. 1st edition, Random House Inc. 1976